

کیهان

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

عدم اعلام فروش واقعی به مؤدیان مالیاتی

(س) با توجه به اینکه به خاطر صادقاته نبودن فاکتورهای بعضی از فروشندگان که براساس آن مالیات تعیین می‌شود، مؤدیان مالیاتی معمولاً چندبرابر فاکتورهای ارائه‌شده را ملاک مالیات قرار می‌دهند و در این شرایط اگر فروشدهای میزان فروش واقعی را بیان کند، مؤدیان به حساب دیگران با او برخورد کرده و مالیات بیشتری نسبت به فروش واقعی برای او تعیین می‌کنند و این باعث متضرر شدن فروشنده می‌شود، در این شرایط آیا فروشنده می‌تواند فروش واقعی خود را به مؤدیان مالیاتی گزارش نکند؟
(ج) اگر مامورین مالیاتی خلاف می‌کنند، دلیل نمی‌شود که دیگران خلاف کنند، باید خلاف مامورین را گزارش دهند.

قبول انگشتر طلا توسط مردان

(س) اگر در مراسم ازدواج، برای داماد انگشتر طلا بخرند؛ (الف) آیا می‌تواند آن را قبول کند ولی استفاده نکند، یا آن را به همسر خود هدیه دهد یا بفروشد؟

(ب) پولی که از فروش انگشتر به دست می‌آورد حلال است؟
(ج) اگر طلا مخصوص مردان نباشد و مشترک بین زن و مرد باشد، به قصد اینکه به همسرش بدهد یا بفروشد، می‌تواند قبول کند و خرید و فروش آن اشکالی ندارد؛ ولی اگر طلایی است که مخصوص مردان است و زنان از آن استفاده نمی‌کنند، قبول آن برای استفاده جایز نیست و خرید و فروش آن حرام است، مگر اینکه قبول کند به قصد ذوب کردن آن؛ و به کسی بفروشد که آن را ذوب کند.

طلای پیداشده

(س) مقداری طلا از مشتری در مغازه طلا فروش جامی‌ماند، اگر صاحب آن معلوم نباشد وظیفه طلا فروش نسبت به آن چیست؟
(ج) پس از تأملی در پیدا شدن صاحبان اشیاء مذکور، از طرف صاحبان آنها صدقه بدهد.

استفاده تزئینی از ظرف طلا و نقره

(س) حکم استفاده و نگهداری از ظروف طلا و نقره جهت تزئین دکوراسیون منزل و کارهای تزئینی دیگر چه حکمی دارد؟
(ج) اشکال ندارد.

استفاده از طلا بدون قصد زینت

(س) استفاده مردان از طلا بدون قصد زینت و بدون اینکه دیگران ببینند، آیا اشکال شرعی دارد؟
(ج) پوشیدن طلا، خواه حلقه انگشتری باشد یا غیر آن، برای مردان مطلقاً حرام است، هر چند به قصد زینت نباشد و از دید دیگران مخفی باشد.

تعویض نقره با نقره یا طلا

(س) آیا در معاوضه مستقیم طلا با نقره، لازم است وزن آنها مساوی باشد تا معامله صحیح شود؟
(ج) اگر طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشند معامله صحیح است و لازم نیست وزن آنها مساوی باشد.

استفاده از پلاتین

(س) استفاده از پلاتین به عنوان انگشتر و گردنبند و امثال (س) برای مرد چه حکمی دارد؟ و آیا باعث پلطن نماز می‌شود؟
(ج) پلاتین طلا نیست و استفاده از آن اشکال ندارد.

شبهه: علت پراکنده‌گویی و از این شاخه به آن شاخه شدن قرن چیست؟ وسط بیان یک موضوع، یک مرتبه می‌رود و از موضوع دیگری سخن می‌گوید!! با این حساب چگونه گفته می‌شود آیات قرآن با هم ارتباط و همبستگی دارند؟! آیا واقعا آیات یک سوره با هم ارتباط و پیوستگی دارند؟ اگر دارند چگونه؟ و اگر ندارند چرا؟

پاسخ: قرآن کریم بصورت تدریجی در تعامل با مخاطبان اولیه خود نازل شده است.^(۱) روند شکل‌گیری قرآن منکوب‌بین گویه بوده که پس از

در سایر کتاب‌ها مطالب با دسته‌بندی ارائه می‌شوند، اما قرآن یک کتاب علمی نیست؛ بلکه کتاب هدایت بشر است. هدایت بشر در گرو دانستن مطالب مختلفی است و به‌صورت یک‌بعدی تحقق پیدا نمی‌کند. لذا خدا با اینکه می‌توانست به دسته‌بندی آیات قرآن فرمان بدهد، اما اراده کرده بنده‌اش هرگاه به قرآن مراجعه می‌کند بسا آموزه‌های مختلفی که هر کدام به‌گونه‌ای در هدایت او نقش دارند، روبه‌رو شود.

نزول بخشی از قرآن^(۲) پیامبر خدا(صلی‌الله علیه و‌آله) را کاتبان قرآن می‌خواستند که آن را بنویسند^(۳)، هرگاه وحی برای او بسبب‌الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شد، نشانه شروع یک سوره جدید بود و این سوره ادامه داشت تا نزول تسبیح‌الله بعدی که نشانه پایان سوره قبلی و آغاز سوره جدید بود.^(۴) نکته دیگر اینکه بیشتر آیات قرآن نازل نشده، از آغاز تا پایان، با هم ارتباط به‌صورت پیاپی و به پرسی و یا واکنش به اتفاقی باشند، نازل شده‌اند، اما بخشی از آیات قرآن سبب نزول دارند.^(۵) مهم این است که آیات، خواه سبب نزول داشته‌اند یا نداشته‌اند، وقتی پشت سر هم نازل می‌شدند نوعاً در قرآن نیز به همین صورت پشت

مفهوم شناسی تفکر، نقل و تدبر
«فکر» نیرویی است که «علم» را به‌سوی «معلوم» می‌برد و «تفکر» «تفکر» و «جولان نیرویی فکر» به اقتضای عقل و خرد است. این نیرو ویژه انسان است و در حیوان نیست. تفکر را اندیشه تنها در چیزی است که ممکن باشد صورتی از آن در خاطر و قلب انسان حاصل شود.^(۱) «عقل» به نیرویی می‌گویند که آماده پذیرش علم است. همچنین به علمی که به‌وسیله آن به دست آید. «عقل» یعنی کسی که نفس خود را حبس کند و نگذارد که هواها به او سربایت نمایند.^(۲) «تدبر» در اصل از ماده «دبر» به معنای پشت سر و عاقبت چیزی است.^(۳) بنابراین، تدبر یعنی بررسی و تعقیب عوالب کار و تفاوت با آن می‌باشد نوعاً در قرآن نیز به همین صورت پشت

فکر در قرآن کلمه «تدبر» فقط در مورد خود قرآن به کار رفته است. تدبر در آیات قرآن در واقع تفسیر آیات و آیات دیگر است، تطبیق آیات با یکدیگر، توأم با حرکت فکری است.

لرزم تصحیح نگاه به دنیا و زندگی

یکی از نکات مهمی که باید به آن توجه داشت این است که طبیعت زندگی دنیا، وجود برخی مشکلات و بلاها می‌باشد. حال که انسان مسافری است که باید به سفر خود ادامه دهد تا به مقصد خلقت خود برسد و در این دنیا برای رشد و تکامل و بزرگ شدن آمده، خداوند حکیم زندگی دنیا را طوری خلق کرده تا مایه رشد و بزرگ شدن او شود. لذا در قرآن فرمود: «همانا ما انسان را در رنج و رحمت آفریدیم.»^(۱) امام صادق(ع) می‌فرماید: فیما أوحی الله تعالی إلی موسی(ع): «ما خلقت خلقاً أحبَّ إلیَّ من عبدی المومن، فإنی إنما ابتلیه لما هو خیر له، وأعاقبه لما هو خیر له، وأزوی عنه لما هو خیر له، وأنا أعلم بما یصلح علیه عبدی، فلیضیر علی بلی، ولتسکر نعمائی، ولتفرح بقضائی، أکثبه فی الصّدیقین عندی؛ از جمله چیزهایی که خداوند متعال به موسی(ع) وحی کرد، این بود که آفریدای نیافریدم که نزد من محبوب‌تر از بنده مؤمنم باشد. او را مبتلا می‌سازم چون تربایش بهتر است؛ به او عاقبت می‌بخشم چون تربایش بهتر است؛ از او می‌گیرم و محرومش می‌سازم چون تربایش بهتر است. من بهتر می‌دانم که چه چیز بنده مرا اصلاح می‌کند؛ پس باید که بر بالای من صبور باشد و از نعمت‌هایم سپاسگزار و از حکم و قضای من مشخود، تا او را در شمار بندگان صدیق خود بنویسم.»^(۲)

شاخص آثار مثبت بلاها

این بلاها و سختی‌هایی که سر راه انسان قرار می‌گیرد هر کدام آثار مخصوص به خود و علت خاص به خود را دارد؛ برخی برای بخشش گناهان است و برخی برای دور شدن از غفلت و برخی برای امتحان و بالارفتن درجه انسان و برخی برای اصلاح صفات ناپسند می‌باشد و برخی هم نتیجه عذاب و خشم الهی به‌خاطر گناهان و ظلم‌هایی است که او انجام داده است. چنان که حضرت علی(ع) می‌فرماید: ولكن الله یختبر عباده بأنواع الشدائد، یتعدّیهم بأنواع المجاهد، یتنبّیهم بضروب المکاره، أخرجاً للکثیر من قلوبهم، وإسکافاً للتقلّل فی نفوسهم، ولیجعل ذلک أبواباً فحاً إلی فضله، وأسباباً لئلا یعفوه؛ خداوند بندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آزماید و با مشکلات زیاد به عبادت می‌خواند و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد تا کبر و خودپسندی را از دل‌هایشان خارج کند و به جای آن فروتنی آورد و

یکی از اصلی‌ترین دلایل نزول بلاها گناهان و خطاها و اخلاق ناپسند انسان است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «هر مصیبتی به شما برسد به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند!» امام صادق(ع) می‌فرماید: خدا نعمتی به بنده‌ای نداده که از او بگیرد جز آنکه گناهی کند که به‌خاطر آن مستحق سلب نعمت شود. پس باید سعی کرد از گناهان و رفتارهای ناپسند خودداری کرد و در صورت ارتکاب با استغفار از نزول بلاها جلوگیری نمود.

ب) صدقه: یکی از راه‌های دیگر دفع و رفع بلاها دادن صدقه است. چنان‌که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «الصدقة تدفع البلاء و هي أنجح دواء و تدفع القضاء و قد أتم إزماء و لا ینھب بالأدواء إلا النعاة و الصدقة صدقة، بلا و همه صاحبان بلا را انسان‌های رانده شده و نفرین شده دانست؛ بلکه می‌بایست در اغلب موارد بلاها را نشانه لطف و توجه و تربیت الهی دانست. همچنان‌که آیات و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است. اگر فلسفه و حکمت بلاها را بچوبی شناختیم؛ آنگاه صبر و تحمل و مدارای ما با آنها خیلی بهتر خواهد شد.

راه‌های دفع و رفع بلاها

استغفار: اگرچه سختی‌ها و بلاها آثار مثبت

هر دو فصل و رحمتش را به رویشان بگشاید و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد.^(۱) پس نباید سختی‌ها و مشکلات را به چشم هری بد و مذموم نگاه کرد و همه صاحبان بلا را انسان‌های رانده شده و نفرین شده دانست؛ بلکه می‌بایست در اغلب موارد بلاها را نشانه لطف و توجه و تربیت الهی دانست. همچنان‌که آیات و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است. اگر فلسفه و حکمت بلاها را بچوبی شناختیم؛ آنگاه صبر و تحمل و مدارای ما با آنها خیلی بهتر خواهد شد. آتش‌سوزی، غرق‌شدن، ویرانی و دیوانگی را با صدقه دفع می‌کند. آنگاه هفتاد بلا را برشمرد.^(۲)

شبهه ها و پاسخ ها

پراکندگی موضوعی قرآن

نشان‌دهنده پیوستگی آیات آن است.^(۱) وحدتی که از آن با عنوان «وحدت موضوعی» یا «وحدت سباق» هر سوره یاد می‌شود.^(۲) البته با نگاه سطحی نمی‌توان به این وحدت پی برد و نیازمند تدبری است که قرآن خواننده خود را به آن فراخواند. است.^(۳)

قرآن، کتاب هدایت بشر، نه یک کتاب علمی
حتی اگر بین همه ایده‌های یک سوره ارتباطی نباشد، باز عیبی متوجه قرآن نمی‌شود؛ چراکه همه مطالب یک کتاب، حتی یک‌کصف از یک کتاب، لزوماً نباید با هم ارتباط داشته باشند. البته عدم ارتباط غیر از اختلاف است، در قرآن اختلاف به معنای بیان مطالب ضدتوقیفی نداریم.^(۴)

مهم ارتباط همه آنها با هدف اصلی نویسنده از نگارش آن کتاب یا هدف است. توضیح آنکه قرآن اگرچه به زبان قوم نازل شده.^(۵) اما بالاخره الهی است و ازاین‌رو، نباید توقع داشت در همه اوج شبیه کتاب‌های بشری باشد. در سایر کتاب‌ها مطالب با دسته‌بندی ارائه می‌شوند، اما قرآن یک کتاب علمی نیست؛ بلکه کتاب هدایت بشر است.^(۶)

هدایت بشر در گرو دانستن مطالب مختلفی است و به‌صورت یک‌بعدی تحقق پیدا نمی‌کند. لذا خدا با اینکه می‌توانست به دسته‌بندی آیات قرآن فرمان بدهد، اما اراده کرده بنده‌اش هرگاه به قرآن مراجعه

البته ادراک و فهمیدن کامل و تمام، به همین سبب نام آن حقیقتی را که در آدمی است و او به‌وسیله آن میان صلاح و فساد و میان حق و باطل و میان راست و دروغ از فرق می‌گذارد، عقل نامیده‌اند.^(۱)

در قرآن کریم کلمه «تدبر» فقط در مورد قرآن به کار رفته است و انسان به تدبر در قرآن و آیات آن فراخوانده شده است.^(۲) با یا در قرآن تدبر نمی‌کنند؟

و اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار بود. قرآن از تلاوت آیات قرآن هرگز نباید بدون تدبر و تأمل رد شد زیرا آیات قرآن با تدبر در آنها خودشان را نمایان می‌کنند. تدبر در آیات هرگز معطل شدن و توقف بی حرکت و تفکر نیست؛ بلکه در واقع تفسیر آیات به آیات دیگر است، تطبیق آیات با یکدیگر، توأم با حرکت فکری است.
برای مطالعه بیشتر
- غیاثی، محمد زاهد، مقاله تفکر از منظر قرآن، الشیاء، ۱۳۸۰، شماره ۲۵.
پی‌نوشت‌ها:
۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲.

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

بلاها و سختی‌هایی که سر راه انسان قرار می‌گیرد هر کدام آثار مخصوص به خود و علت خاص به خود را دارد؛ برخی برای بخشش گناهان است و برخی برای دور شدن او از غفلت و برخی برای امتحان و بالارفتن درجه انسان و برخی برای اصلاح صفات ناپسند می‌باشد و برخی هم نتیجه عذاب و خشم الهی به‌خاطر گناهان و ظلم‌هایی است که او انجام داده است.

با خواندن زیارت‌نامه‌های ایشان یا دعا‌های توسل یا تشریف به حرم‌های ایشان یا صلوات فرستادن بر ایشان یاگویی به مصائبشان یا شادی در شادی‌شان و…، موجب در امان ماندن از سختی‌ها و بلاها و برطرف شدن آنها می‌شود.
ه) پرهیز از گناه و اخلاق فاسده: یکی از اصلی‌ترین دلایل نزول بلاها گناهان و خطاها و اخلاق ناپسند انسان است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «هر مصیبتی به شما برسد به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.»^(۱) امام صادق(ع) می‌فرماید: ما أنعم الله علی عبد نعمته فسلّطناه إلیه حتی ینیب دنیا یستحقّ بذلك السلب؛ خدا نعمتی به بنده‌ای نداده که از او بگیرد جز آنکه گناهی کند که به‌خاطر آن مستحق سلب نعمت شود.^(۲) پس باید سعی کرد از گناهان و رفتارهای ناپسند خودداری کرد و در صورت ارتکاب با استغفار از نزول بلاها جلوگیری نمود.

و) پرهیز از آزار و اذیت دیگران: یکی از گناهانی که به طور ویژه در روایات نسبت به آن هشدارهای شدید داده‌اند، ظلم و آزار رساندن به دیگران است. خصوصاً نسبت به حو‌داران مانند والدین و ضعفا و حیوانات که باعث آ و نفرین آنها شده و اسباب نزول بلا می‌گردد. پیامبر خدا(ص) فرمود: اتقوا غفوة المظلوم فإنّ غفوة المظلوم تصعد إلی السّماء؛ از نفرین مظلوم بترس که به سوی آسمان می‌رود.^(۳)

ز) اعراض نکردن از خدا: قرآن کریم یکی دیگر از دلایل مبتلی شدن به سختی‌ها و فشارها را رویگرداندن از یاد خدا معرفی می‌کند: «هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگی (سخت) و تنگی خواهد داشت.»^(۴) پس یکی از راه‌های نجات از فشارها و سختی‌ها روی آوردن حقیقی به خدا و یاد کردن او در شبانه‌روز می‌باشد.

منابع مطالعاتی:

۱. گفتارهایی پیرامون بلا‌یا و گرفتاری‌ها: نویسنده: دکتر حسن افتخارزاده؛ نشر: نیک معارف. ۲. راز سختی‌ها و بلاها در زندگی نویسنده: محسن عطابالله، انتشارات دارالحدیث. ۳. روش‌های توان‌افزایی در سختی‌ها: محسن عطابالله، عیاس پسندیده، انتشارات دارالحدیث.
پی‌نوشت‌ها:
۱. بدله، ۴: ۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین حوزه علم، ۱۳۹۸، ج ۳: ۴۰۵.
۲. شریف‌رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴، ق، ص: ۲۹۴.
۳. رحلی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، اول، ۱۴۰۹، ج ۴، ص: ۲۹.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۱۱۰ جلد، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۲، ج ۹۳، ص: ۱۱۷.
۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران، ۱۴۰۷، ج ۴، ص: ۵.
۶. وسائل الشیعه، همان ج، ۷، ص: ۴۲.
۷. یک زیارت کبیره- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایضره الفقیه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، دوم، جامعه مدرسین حوزه علم، ۱۴۱۳، ج ۲، ص: ۶۱۰.
۸. شوری، ۱: ۳۰.
۹. الکحل، همان ج، ۱۲، ص: ۱۱۷.
۱۰. طبرسی، حسین بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریع‌الرضی، چهارم، ۱۴۱۴، ق، ص: ۲۷۶.
۱۱. بدله، ۱۲، ص: ۱۲۴.
سید حبیب حسینی زنای

به‌صورت پراکنده کاشته است؛ بنابراین، هر کسی در هر بخشی از این باغ قدم بزند می‌تواند از میوه‌های مختلفی استفاده کند.^(۱)
۲. وقتی شخصی قرآن را می‌خواند، تعبیر موضوع آیات باعث تنوع مطالب و در نتیجه، جلوگیری از خشکی او و قرأت بیشتر قرآن می‌شود؛ در همان مثال بالا اگر شخصی پس از ورود به باغ فقط درختان سیب را ببیند، کیم کم زده می‌شود، اما اگر مدام با درختان مختلف و میوه‌های رنگارنگ مواجه شود، دیرتر خسته می‌شود و زمان بیشتر و بهتری را در باغ سپری می‌کند.
نتیجه
لازمه تعامل قرآن با مخاطب و نزول تدریجی بسیاری از سوره‌های آن، تنوع مطالب هر سوره است؛ اما این لزوماً به معنای پراکندگی موضوعی نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد با تدبر می‌توان متوجه وحدت موضوعی میان آنها شد. حتی اگر چنین توان و تناسلی نباشد باز مشکلی متوجه قرآن نمی‌شود؛ چراکه مهم این است که تک‌تک آیه‌های قرآن در راستای هدف اصلی این کتاب که هدایت بشر است، باشند.

لازمه تعامل قرآن با مخاطب و نزول تدریجی بسیاری از سوره‌های آن، تنوع مطالب هر سوره است؛ اما این لزوماً به معنای پراکندگی موضوعی آیات نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد با تدبر می‌توان متوجه وحدت موضوعی میان آنها شد. حتی اگر چنین توان و تناسلی نباشد باز مشکلی متوجه قرآن نمی‌شود؛ چراکه مهم این است که تک‌تک آیه‌های قرآن در راستای هدف اصلی این کتاب که هدایت بشر است، باشند.

نتیجه:
در قرآن کریم هر سه واژه تفکر، تعقل و تدبر به این ترتیب از آن.
واژه تفکر به معنای اندیشه درخصوصیات و دلایل چیزی است، به همین دلایل مقصود از بیان مثال‌ها و قصص قرآنی، تفکر و پندگیری ذکر شده است.
واژه تفکر به معنای ادراک و فهمیدن است که انسان را از گرفتار و رفتار نارسا و بازمی‌دارد و آن حقیقتی است که آدمی به‌وسیله آن میان صلاح و فساد و میان حق و باطل و میان راست و دروغ فرق می‌گذارد؛ به همین دلیل قرآن زمانی که به سطح بالاتری از اندیشه نیاز است از واژه تعقل استفاده کرده است. در قرآن کلمه «تدبر» فقط در مورد خود قرآن به کار رفته است. تدبر در آیات قرآن در واقع تفسیر آیات به آیات دیگر است، تطبیق آیات با یکدیگر، توأم با حرکت فکری است.

برای مطالعه بیشتر
- غیاثی، محمد زاهد، مقاله تفکر از منظر قرآن، الشیاء، ۱۳۸۰، شماره ۲۵.
پی‌نوشت‌ها:
۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۲۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۲۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۲۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۲۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۲۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۲۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۳۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۳۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۳۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۳۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۳۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۳۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۳۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۳۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۳۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۳۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۴۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۴۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۴۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۴۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۴۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۴۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۴۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۴۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۴۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۴۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۵۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۵۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۵۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۵۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۵۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۵۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۵۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۵۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۵۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۵۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۶۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۶۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۶۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۶۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۶۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۶۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۶۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۶۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۶۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۶۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۷۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۷۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۷۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۷۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۷۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۷۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۷۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۷۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۷۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۷۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۸۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۸۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۸۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۸۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۸۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۸۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۸۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۸۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۸۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۸۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۹۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۹۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۹۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۹۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۹۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۹۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۹۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۹۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۹۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۹۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۰۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۰۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۰۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۰۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۰۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۰۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۰۶. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۰۷. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۰۸. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۰۹. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۱۰. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۱۱. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۱۲. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۱۳. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۴۳.
۱۱۴. بیتا ج، ۱، ص: ۱۲۴.
۱۱۵. راغب‌اصطفی، حسین بن محمد، المفردات، دارالعلم البار الشامیه، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴